

ترجمه تحصیل بهمنیار

عبدالحسین حائری

« ۲ »

فهرست مقالات و فصول کتاب سوم ترجمه تحصیل در آغاز کتاب سوم (ص ۱۷۳)
بدینگونه آمده :

این کتاب مشتمل است بر احوال موجودات معلول و منقسم است بر چهار مقاله :
مقاله اول - در مقدمات امور [و] اشیاء طبیعی و این فن موسوم است به سماع طبیعی
مقاله دوم - در معرفت اجسام فلکی .

مقاله سوم - در معرفت عناصر و آنچه مرکب اند ...

مقاله چهارم - در علم نفس و بقاء او و حال معاد و بدین مقاله این کتاب
ختم کرده آید. اما مقاله اول منقسم است زی هشت فصل (۱۷۵-۲۰۴)

مقاله دوم دارای سه فصل است (ص ۲۰۴-۲۲۱).

مقاله سوم دارای هفت فصل است (ص ۲۲۱-۲۵۴).

مقاله چهارم (در علم نفس) دارای پانزده فصل و فهرست این فصول در آغاز

مقاله چهارم بدینگونه آمده :

فصل اول از مقاله چهارم از کتاب سوم در اثبات نفس و جوهریت او و نقص

آراهای باطل درو .

- فصل دوم... در برهان دیگر که نفس مزاج نیست .
- فصل سوم... در آنکه نفس را قواها بسیار است .
- فصل چهارم... در اشارت زی ادراک .
- فصل پنجم... در ذوق و شمع و...
- فصل ششم... ابصار .
- فصل هفتم... ابطال آنچه از عکس شعاع از مرآة گفته اند .
- فصل هشتم... در محسوسات مشترك و در حس مشترك .
- فصل نهم... در بیان عقل نظری و عقل عملی... .
- فصل دهم... در احکام مفکره ...
- فصل یازدهم... در قوای محرکه که... .
- فصل دوازدهم... در عقل و معقول ...
- فصل سیزدهم... در تعدید قوای نفسانی... .
- فصل چهاردهم... در آنکه بدنی واحد را نفسی واحد بود... و در ابطال تناسخ... .
- فصل پانزدهم... در بیان نفس انسانی... و بها تختم الكتاب .
- فصل ۱ تا چند سطر به پایان فصل هشتم در این نسخه موجود است . در پایان صفحه ۲۹۲ فصل هشتم ناتمام مانده و در آغاز صفحه ۲۹۴ که روی دیگر برگ است دنباله يك مبحث منطقی است که با مراجعه به متن تحصیل و فصول بعد معلوم گردید دنباله فصل هشتم از باب اول از مقالات سوم از کتاب اول منطبق است و کاتب گویا آنرا متمم فصل هشتم از مقالات چهارم از کتاب سوم پنداشته و در پی آن آورده .
- کاتب فصل بعد تا پایان فن یا باب اول برهان را بعنوان فصلی از مقالات پنجم یاد کرده در صورتی که در متن عربی، منطق تنها دارای ۳ مقالات است . بنا برین یا ترجمه منطق دارای ترتیبی خاص و یا این نیز اشتباه کاتب است .
- بر خلاف متن عربی تحصیل، در ترجمه ، کتاب دوم دارای ۷ مقالات است و مقالات هفتم درباره «واجب الوجود و صفات او و کیفیت صدور اشیا» است (ص ۱۶۵ نسخه) و این همان مسئله است که در متن عربی موضوع مقالات اول از کتاب سوم است .

فرق دیگر ترجمه با متن در آنست که مترجم در آغاز هر يك از كتاب‌ها، فهرست مقالات‌ها آن كتاب و در آغاز هر يك از مقالات‌ها فهرست فصول آن مقاله را بتفصیل آورده .

در آغاز كتاب سوم (ص ۱۷۲ نسخه) مترجم نام كتاب را **تحفة الكمالیه و جام جهان نماى** یاد کند و از سخن وی استفاده می‌گردد که این كتاب در آن زمان بنام جام جهان نماى اشتهار داشته .

مترجم تحصیل :

سبك كتاب بدون شك گواه كهن بودن آنست و نثریست نزدیک به ترجمه‌حی بن یقظان از نویسنده مجهول (فهرست نسخ مصنفات ابن سینا و نسخه مجلس ش: ۱۳۷۳ طبا) و این بنده تصور می‌کنم نویسنده ترجمه، بهمنیار نیست اما یکی از شاگردان او یا یکی دیگر از شاگردان شیخ‌الرئیس است ، زیرا مترجم در برخی از جایها بر متن تحصیل افزوده و خرده گیری کرده .

در اواخر فصل چهارم از مقاله سوم از كتاب سوم هنگام بیان نسبت‌های مقولات و عرض‌ها این عبارت بصورت جمله معترضه در ترجمه وارد شده :

«چنین گوید مترجم این كتاب که این سخن یعنی صداقت بعض اعراض^۱ مر بعضی راهم از جمله آن سخنهاست که خواهی گوید این چنین سخنها به سخن متصوفه بهتر ماند که بسخن حکما» (ص ۲۳۶ نسخه)

۱ سطر قبل از این جمله این است :

آن مضیی آن جسم را اضاعت دند و بدانکه ضوء موافق حرارت بود بطبع از آنکه بعضی از اعراض صدیق اند مر بعضی را، چنین گوید مترجم ...

متن عربی تحصیل چنین است :

فان ذلك المضی قمنده محاذیه الاضامرة والضوء موافق للحرارة بالطبع فان بعض الاعراض صدیق لبعضها ... (نسخه ش ۱۷۱۵ کتابخانه مجلس شورای ملی فهرست ج ۵، گل ۲۱۹ الف)

مترجم پس از افزودن عبارت مذکور دنباله ترجمه را ادامه داده است . گذشته از اینکه اگر مترجم خود مؤلف متن باشد گمان نمی‌رود که خود را «مترجم این کتاب» بخواند ، افزودن جمله‌ای اعتراض‌آمیز و خرده‌گیری بر متن نیز خود قرینه‌ای تواند بود بر اینکه کسی جز مؤلف آنرا ترجمه کرده . نکته‌ای که در این جمله بچشم می‌خورد و در جایهای بسیاری از ترجمه تکرار شده آنست که شیخ‌الرئیس را بنام خواجه یا «خواجه رئیس» یاد کرده . و این تعبیر در زبان شاگردان شیخ و در آثار آنان فراوان است . در پایان ترجمه منطوق (که در این نسخه پایان نسخه نیز هست) ، مترجم افزوده است :

«چنین گوید مترجم این کتاب که ما در این ترجمه اشارت زی معانی برهان کردیم و هیچ التفات باجدل و خطابت و شعر نکردیم» . نگارنده هنوز به تتبع و بررسی و مطالعه کامل این نسخه نفیس توفیق نیافته‌ام و مسلماً پس از بررسی کامل، آنرا بهتر خواهیم شناخت .

مشخصات نسخه :

این نسخه بخط نستعلیق است و ظاهراً در قرن ۱۱ نوشته شده اما کاتب رسم الخط نسخه قبل را که از روی آن نوشته ، حفظ کرده . موریا نه کنار برخی از برگها را آسیب رسانیده و در بعضی از صفحات قسمتی از سطور نیز آسیب دیده .

قطع : نیم‌خشتی ۲۲ × ۱۲ س.ج : تیماجی قهوه‌ای رنگ که در وسط آن ترنجی

کوبیده‌اند صفحات : ۳۳۰ سطور : ۲۰